ادامه از صفحه ۵

قوانین مالیاتی مخرب

... همچنین در صورت معافیت فعالیت شرکت سرمایه‌پذیر، این موضوع تأمین‌شدن هدف قانون‌گذاری در اعطای معافیت می‌شود. همچنین تقسیم سـود و حداکثری سـود برای اجتناب از مالیات مصاعـف در موضوعات سـرمایه‌گذاری، اشـتغال، تـورم و جریان فرامرزی سرمایه، آثار منفی خواهد داشت.

۳) بـه دلیل آثـار متقابـل برخی مـواد قانونی بر یکدیگـر، قوانین مالیاتی، عـلاوه بر ارزیابی و پیش‌بینی آثار سلسـله‌وار، بررسـی ارتباط داخلـی مفاد قانـون و مقررات نیز ضـرورت دارد. برای مثال هزینه و فعالیت درخورتوجهی درباره موضوع درآمد پزشکان صرف شده است؛ درحالی‌که هزینه‌های درمانی هر شخص حقیقی و هزینه‌های اشخاص حقوقی برای اعمو درمانی کارکنان، از درآمد مشـمول مالیات آنها قابل کسـر اسـت؛ بنابراین بازده مالیاتی تمرکز بر چنین مواردی می‌تواند ناچیز یا حتی در شـرایطی منفی باشد. تاکید می‌شود که موضوع شفاف‌سازی فعالیت‌هـای مؤدیـان به‌هیچ‌وجه مدنظـر نبوده و بحـث حذاگانه‌ای است که مسـتلزم روش‌های فراگیـر و یکسان اسـت تا ضمن انرجـتی و کارایی، شـبهات برخودرداسـتی تبعیض‌آمیز، تبعـات مقاومت منفی و انتقال و اجحاف مالیاتی به همراه نداشـته باشـد. در نمونه دیگر مبلغ دریافتی برای مهریه، به‌عنوان درآمد مشـمول مالیات تلقی نشده است؛ اما مبلغ پرداختی برای مهریه، به‌عنوان هزینه‌های قابل کسـر از درآمد مشمول مالیات، قید شده اسـت. این موضوع، می‌تواند فرصتی مناسب و کم‌ریسـک، برای پولشـویی، فرار و اجتناب‌های مالیاتی ایجاد کند. در مواردِ احتمالی این شـکاف مالیاتی، قابلیت آن را دارد که درآمد مالیاتی دولت از اشخاص حقیقی را چندین سال به صفر برساند؛ در نمونه دیگر برای فعالیت اقتصادی اشـخاص حقیقی، الزام حسابرسی فعالیت‌های اقتصادی مؤدیان حقیقی، لغو شده است. بی‌شک اتلاف‌های مالیاتی که در بلندمدت بر از حرف نظارت حرفه‌ای حسابرسـان پدید می‌آید، بسیار بیشـتر از عواید مالیاتی ناشـی از حذف معافیت‌های مالیاتی اشخاص حقیقی طبق مفاد بندهای لایحه خواهد بود.

۴) طبـق اصلاح پیشـنهادی درباره معافیت مالیاتـی موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم میزان سرمایه‌گذاری ثابت، (به‌جز زمین) توسط اشخاص حقوقی غیردولتی مبنای برخورداری از معافیت مالیاتی است. این تغییر در موارد زیر قابل تأمل است:

الف) ارتجاعیکه قاعده ماضـی‌الاثر تولیدی کشـور بـا قطعات آن، از خارج تأمین می‌شـود. بنابراین این مبنای تخصیص معافیت، به احتمال زیاد منجر به خیزش خروجی ارز از کشور به‌شدت قابل ملاحظه خواهد شد.

ب) سیسـتم‌های تولیـد از ترکیب منابـع «کار» و «سـرمایه» ایجاد می‌شوند و یک سرمایه‌گذار با توجه به بازده نهایی و بهینه، ترکیب مناسبی از این دو انتخاب می‌کند. ازآنجاکه براسـاس این اصلاحیه، انتخاب سیسـتم «سـرمایه‌بر» دارای مزایای مالیاتی چشمگیری است، سـرمایه‌گذار، آن سیستم تولیدی را انتخاب می‌کند که کمترین نیاز به نیروی کار و بیشترین نیاز به سرمایه ثابت را داشته است؛ در نتیجه این اصلاحیه مستقیم روی اشتغال و پیامدهای آن اثر منفی خواهد داشت.

ج) بـدلیـل حذف انقضای زمانی برای معافیـت در لایحه، کارفرما انگیزه‌ای برای استفاده سریع از قانونی ندارد؛ بنابراین به‌دلیل عدم استفاده بهینه از سرمایه‌گذاری، کارایی و بازده معمول منابع تولید کشور دچار اتلاف منفی نسـبت به اهداف قانون‌گذار خواهد شـد. در قانون کنونی (در صورت عـدم اعمال این اصلاحیه)، اگـر در دوران معافیت، شـرکت دچار زیان یا عدم بهره‌برداری از ظرفیت‌ها باشد، فرصت معافیت را از دسـت خواهد داد؛ اما طبق شـرایط پیشـنهادی، حتی در صورت زیان‌دهی، فرصت معافیت به بهای اتلاف سرمایه‌های ملی، برای مؤدی ذخیره می‌شود.

د) در نظریه‌های توسعه، به رشد در بخش خدمات تاکید شده است. حقیقت بسـود و بهره‌وری بالا، سازگاری با روند توسـعه پایدار و مباحث زیسـت‌محیطی و منابع ملی اشـتغال ملی بدون اتکا به منابع طبیعی امکان بهره‌گیری ارزان از سرمایه انسانی سایر کشورها، خطر منابع ارزی و مباحث دیگر را، دلایل اهمیت بالای بخش خدمات است که در مفاد ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مسـتقیم و رویکرد کلی قوانین مالیاتی (مبنای فعلی و اصلاحی)، این اهمیت دیده نمی‌شود.

ه) مماثل‌دارد سرمایه ثابت برای تعلق معافیت مالیاتی، زمینه‌ساز موارد اختلاس سـوءجریان و فسـاد، از جمله از طریق حسـاب‌آرایی و حسـاب‌سازی، سـرمایه‌گذاری صوری و حتی پولشـویی خواهد شد که انحراف از برنامه‌ها و اهداف قانون‌گذار را در پی خواهد داشت.

۵) در مفاد مواد ۱۸۵، ۱۸۶ و ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم مذکور این امکان فراهم شده است تا درآمد مشمول مالیات مؤدیان حقوقی، به استناد کژارش حسابرس تعیین شده و درآمد ابرازی اشخاص حقیقی و حقوقی حسب شطار، بدون رسیدگی پذیرفته شود.

الف) رسـیدگی در حراسـبی صورت‌های‌مالی، بـر مبنای اسـتانداردهای حسـابداری، به‌نوع نمونه‌گیری و با توجه به اهمیت مبالغ و موضوعات اسـت. درحالی‌که در رسیدگی مالیاتی به‌دلیل وجود حقوق عمومی، بحث اهمیت جایگاه نداشـته و به‌دلیل دسـت‌کاری در اندازه و چیـدمان مبالغ، در فرآیندهای مالیاتی، روش نمونه‌گیری بر مبنای اهمیت، شبهه کارآمدی وجاهت وجود، بنابراین استاد به کژارش حسابرسی صورت‌های مالی در رسـیدگی مالیاتی، می‌تواند به تضیع حقوق عمومی دچار شود.

ب) پذیـرش مالیـات ابرازی مؤدیـان و انتخاب نمونـه‌ای برخی از مؤدیان برای رسـیدگی، مسـتلزم کاهش‌کمردفن حلقه‌های زنجیره توسعه مالیاتی است و به‌کارگیری حلقه‌های انتهایی این زنجیره، اسک ناقص از سیستم‌های مالیاتی توسعه‌یافته تلقی می‌شود. در اغلب کشورها، وظیفه تهیه کژارش‌های مالیاتی، بر عهده «حسابداران ذی‌صلح» است؛ اما در قوانین ایران برای تهیه اظهارنامه‌های مالیاتی، هیچ صلاحیتی الزام نشده است. از طرفی «حسابداران» و «حسابداری» به‌عنوان مؤثرترین افراد و حرفه در بحث مالیاتی، حتی فاقد صنف و اتحادیه رسـمی هستند. این سـخن به معنی هرج‌ومرج و کم‌اعتباری داده‌های حسابداری شرکت‌ها بـوده و ضمن احترام به همه مشـاغل، این مطلب مؤیـد این نکته تلخ اسـت که در قوانین ما، به حرفه حسـابداری به میزان حرفه‌های دیگر، اعم از پزشـکی، مهندسـی، خیاطی، قصابی، کفاشـی، وکالت و حرفه‌ها اهمیت داده نشده است. این در حالی است که این حرفه به‌عنوان چشم و گوش منافع عمومی، اهمیتی استثنائی دارد و اگر حرفه حسابداری در کشور ساماندهی و نظارت مبتنی بر بازدارندگی بر آن اعمال شود، ضمن جلوگیـری از اتلاف مالیاتی، از هزینه‌های کلان دولت برای تشـخیص و وصول مالیات جلوگیری خواهد شد.

۶) چالش‌های مالیاتی ناشی از ابهام‌های قانونی، همچنان در لایحه پیشـنهادی حل‌نشـده باقی مانده اسـت؛ برای مثال تعریف مشخصی از «درآمد» در کاربرد مالیاتی آن ارائه نشـده و شـبهه‌های طرح‌شده در مواردی مانند «نقل زیان نوشته شرکا» و مواردی دیگر همچنان مسـتلزم تفسـیر به رأی یا حکم مراجع قانونی باقی مانده‌اند. گفتنی اسـت اصلاح چند قانون دیرک سـنده اصلاحی، در ذات خود ابهام و پراکندگی به‌همراه خواهد داشت.

*** حسابدار رسمی - کارشناس رسمی**

عکس: امیر جدیدی

غلامرضا ظریف‌نظر بلند با اشاره به ایجاد بستر دوقطبی در جامعه در پی وقوع ناآرامی‌ها هشدار می‌دهد

جدال گفتمانی در راه است

شکوفه حبیب‌زاده: کوتاه‌ترشدن فاصله اعتراض عمومی در چند سال اخیر، این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که گرد کار چیست که دیگر قشـر پایین جامعه که دغدغه آب و نان داشت و همچون قشر نخبه و متوسـط لزومه به دنبال توسعه سیاسـی نبود، قدم به میدان نهاده و دسـت به اعتراض می‌زند؟ غلامرضا نظربلند، اقتصاددان و تحلیلگر سیاسـی، در گفت‌وگو با «شرق»، ریشـه جاش کنونی را در اختلاف اقتصادی در داخل و در عرصه بین‌المللی می‌داند. او هشـدار می‌دهـد: «در حال حاضر با شـکل‌گیری گونـه‌ای دوقطبی روبه‌رو هسـتیم؛ این دوقطبی اینکه به ونزکشـی روی آورده‌اند و بیم آن مـی‌رود که تعمیق جهات اختلافی در نیـود دیالوگ بینابینی، آن دو را روی درروی هـم قرار دهد». تنها راه برون‌رفت از دیدگاه نظربلند، فراهم‌کردن اسـباب و لوازم دیالوگ است؛ به‌طوری‌که «سیاسیون و دولتمردان بیذیرند صدای مخالفی هم از گونـه‌ای از این مرز و بوم به گوش می‌رسـد و خیلی مهم‌تر از آن اینکه بپذیرند صدای مخالف لزومـا از حلقوم برانداز بیرون نمی‌آید و ممکن اسـت غیربرانداز هم مطالب باشد». این تحلیلگر با اشـاره به ناآرامی‌های آبان‌ماه گذشته می‌گوید: «ناآرامی‌های خونین آبان‌ماه گذشـته که متأسفانه هنوز در باب کم و کیف آن اطلاع‌رسانی و شفاف‌سـازی نشده، نشان داد که اگر اعتراضات معیشـتی از کنترل خارج شود و سر از طغیان درآورد، هیچ‌کس در امـان نخواهد ماند و این همه و همـه، فارغ از تعلقات اجتماعی و اقتصادی و جناحی‌شـان را شـامل خواهد شـد». او در جایی دیگر باری مقصران را هم به میان می‌کشـد: «بی‌آنکه بخواهم نفـس تخریب را توجیه کنم، مقصر اصلی هر خشـونتی (که رخ داد) را مسئولان ذی‌ربط می‌دانم. بالاخره نمی‌توان آنها را که با فضل‌شان با ترک فعل‌شـان موجب ناراضایی عمومی می‌شـوند، از هرگزندی مصون کرد و به آنها که واکنش نشان می‌دهند، حکم محکومیت داد».

▪ با توجه به اینکه کشور در شرایط پایداری نیسـت و تحریم‌های فوق‌ضربه‌ای را متحمل شده‌ایم، فاصله زمانی بروز ناراضایی‌ها در سال‌های گذشـته کوتاه و کوتاه‌تر شده اسـت. ریشه اصلی این اعتراضات به چه برمی‌گردد؟

اگر بخواهیم ریشه‌ای بحث کنیم، طبعا باید نه فقط به این چهار دهه کـه بـه دوران قبـل از انقلاب هم نگاه و نظری عمیق داشـته باشیم. چراکه بسیاری از مسائل به آن زمان هم برمی‌گردد. انقلاب و دگرگونی در نظام سیاسـی کشور که نه یک شـب رخ داد و نه بی‌دلیل بـود. حـاوی و حامل پیام‌های پیـدا و پنهانی بود که برای تحلیل هرگونه رویداد اجتماعی و سیاسـی نظیر ناآرامی عمومی که در ۱۰ سال گذشته حداقل سه مورد آن را شاهد بودیم، مورد امعان‌نظر قرار گیرند. به‌عبارت دیگر، ۴۱ سال پیش انقلابی را شاهد بودیم که هدف از آن، سرنگونی نظام سیاسی مستقر بود که دیگر نمی‌توانسـت کشـور را اداره کنـد و جایگزیـن آن بـا نظام سیاسـی دیگری که جمهوری اسلامی نامیده شد. در سرلوحه این نظام سیاسی جایگزین منظومه‌ای از آموزه‌ها، انگاره‌ها و منشـورهای اخلاقی و رفتاری قرار داشـته که به گفتمان انقلاب اسـلامی شـهرت یافته است. بی‌مایه حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی این گفتمان قرار بود در هدف اراکان وجودی زندگی زیر بیرق جمهوری اسلامی سیاری و جاری شود و آنها را از جامعه زیر انقلابی‌ها سیراب کند.

این در حالی اسـت کـه در نظام بین‌المللی، «سیاسـت واقعی (real politic)» کـه نه بر مبانی ارزشـی، بلکـه منطبق با واقعیات میدانی اسـت. حکمرانـی می‌کند. مقصود از ایـن واقعیات، همان معادلات قدرت اسـت که قدرالبـم هر کشوری را متناظر و متناسب با قدرت سیاسـی، اقتصـادی و توانمندی نظامـی و تکنولوژیک آن تعیین می‌کند. این به آن دلیل اسـت که وقتی قدرالبـم کشـورها از یک قـدرت یا قدرت سیاسـی، اقتصـادی و توانمنـدی نظامـی و تکنولوژیک آنها همسـنگی کنند، این به معنای تـوازن و ثبات اسـت. در مقابل، در صورتی که قدرالبـم کشـورها از یک قـدرت یا قدرت دیگر، منفی برداشـته باشد، فرصت معافیت را از دسـت خواهد داد؛ اما طبق شـرایط پیشـنهادی، حتی در صورت زیان‌دهی، فرصت معافیت به بهای اتلاف سرمایه‌های ملی، برای مؤدی ذخیره می‌شود.

د) در نظریه‌های توسعه، به رشد در بخش خدمات تاکید شده است. حقیقت بسـود و بهره‌وری بالا، سازگاری با روند توسـعه پایدار و مباحث زیسـت‌محیطی و منابع ملی اشـتغال ملی بدون اتکا به منابع طبیعی امکان بهره‌گیری ارزان از سرمایه انسانی سایر کشورها، خطر منابع ارزی و مباحث دیگر را، دلایل اهمیت بالای بخش خدمات است که در مفاد ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مسـتقیم و رویکرد کلی قوانین مالیاتی (مبنای فعلی و اصلاحی)، این اهمیت دیده نمی‌شود.

ه) مماثل‌دارد سرمایه ثابت برای تعلق معافیت مالیاتی، زمینه‌ساز موارد اختلاس سـوءجریان و فسـاد، از جمله از طریق حسـاب‌آرایی و حسـاب‌سازی، سـرمایه‌گذاری صوری و حتی پولشـویی خواهد شد که انحراف از برنامه‌ها و اهداف قانون‌گذار را در پی خواهد داشت.

۵) در مفاد مواد ۱۸۵، ۱۸۶ و ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم مذکور این امکان فراهم شده است تا درآمد مشمول مالیات مؤدیان حقوقی، به استناد کژارش حسابرس تعیین شده و درآمد ابرازی اشخاص حقیقی و حقوقی حسب شطار، بدون رسیدگی پذیرفته شود.

الف) رسـیدگی در حراسـبی صورت‌های‌مالی، بـر مبنای اسـتانداردهای حسـابداری، به‌نوع نمونه‌گیری و با توجه به اهمیت مبالغ و موضوعات اسـت. درحالی‌که در رسیدگی مالیاتی به‌دلیل وجود حقوق عمومی، بحث اهمیت جایگاه نداشـته و به‌دلیل دسـت‌کاری در اندازه و چیـدمان مبالغ، در فرآیندهای مالیاتی، روش نمونه‌گیری بر مبنای اهمیت، شبهه کارآمدی وجاهت وجود، بنابراین استاد به کژارش حسابرسی صورت‌های مالی در رسـیدگی مالیاتی، می‌تواند به تضیع حقوق عمومی دچار شود.

ب) پذیـرش مالیـات ابرازی مؤدیـان و انتخاب نمونـه‌ای برخی از مؤدیان برای رسـیدگی، مسـتلزم کاهش‌کمردفن حلقه‌های زنجیره توسعه مالیاتی است و به‌کارگیری حلقه‌های انتهایی این زنجیره، اسک ناقص از سیستم‌های مالیاتی توسعه‌یافته تلقی می‌شود. در اغلب کشورها، وظیفه تهیه کژارش‌های مالیاتی، بر عهده «حسابداران ذی‌صلح» است؛ اما در قوانین ایران برای تهیه اظهارنامه‌های مالیاتی، هیچ صلاحیتی الزام نشده است. از طرفی «حسابداران» و «حسابداری» به‌عنوان مؤثرترین افراد و حرفه در بحث مالیاتی، حتی فاقد صنف و اتحادیه رسـمی هستند. این سـخن به معنی هرج‌ومرج و کم‌اعتباری داده‌های حسابداری شرکت‌ها بـوده و ضمن احترام به همه مشـاغل، این مطلب مؤیـد این نکته تلخ اسـت که در قوانین ما، به حرفه حسـابداری به میزان حرفه‌های دیگر، اعم از پزشـکی، مهندسـی، خیاطی، قصابی، کفاشـی، وکالت و حرفه‌ها اهمیت داده نشده اسـت. این در حالی اسـت که این حرفه به‌عنوان چشم و گوش منافع عمومی، اهمیتی استثنائی دارد و اگر حرفه حسابداری در کشور ساماندهی و نظارت مبتنی بر بازدارندگی بر آن اعمال شود، ضمن جلوگیـری از اتلاف مالیاتی، از هزینه‌های کلان دولت برای تشـخیص و وصول مالیات جلوگیری خواهد شد.

۶) چالش‌های مالیاتی ناشی از ابهام‌های قانونی، همچنان در لایحه پیشـنهادی حل‌نشـده باقی مانده اسـت؛ برای مثال تعریف مشخصی از «درآمد» در کاربرد مالیاتی آن ارائه نشـده و شـبهه‌های طرح‌شده در مواردی مانند «نقل زیان نوشته شرکا» و مواردی دیگر همچنان مسـتلزم تفسـیر به رأی یا حکم مراجع قانونی باقی مانده‌اند. گفتنی اسـت اصلاح چند قانون دیرک سنده اصلاحی، در ذات خود ابهام و پراکندگی به‌همراه خواهد داشت.

*** حسابدار رسمی - کارشناس رسمی**

▪ آیا ما جرا فقط به آبان سـال جاری بازنمی‌گردد. اعتراضات دی ۹۶ را هم داشـته‌ایم که در آن هم قشر پایین جامعه به دلیل فشارهای اقتصادی به خیابان آمده بودند.

منظورم از سـال‌های اخیـر، ناآرامی‌های عمومی دی سـال ۹۶ هم هسـت؛ هرچند در سـال‌ها و دهه‌ها قبل از آن هم اعتراضات و ناآرامی‌هایی مانند آنچه را در اسلامشـهر و مشهد و شیراز شاهد افتاد، شاهد بودیم؛ اما آنها نوعا محلی بودند و نه کشوری؛ اعتراضات دی ۹۶ که به مدت دو هفته در بیش از شـهر و شهرستان جریان داشت، درواقع اولین اعتراض براسـری قشرهای اسـب‌بذیر جامعه بعد از انقلاب بود. البته در سال ۸۸ هم ناآرامی‌های گسترده شـهری داشـتیم؛ اما آنها صبغه معیشـتی نداشـتند و معترضـان از طبقه متوسـط و نخبگـان جامعه بودند. جا دارد حالا کـه بحث به اینجا کشـیده شـد، به رویداد رکب‌خوردن یک جریان سیاسی که گفته شد که اعتراضات دی ۹۶ را در مشـهد سـازماندهی و راه‌اندازی کرد، اشاره کنم که فوق‌العاده درس‌آموز اسـت. جریان سیاسـی مزبور که به دغدغه معیشتی داشت و نه اهل توسعه سیاسی و این حرف‌ها، بود. آنچه می‌خواسـت بگوید این‌گونه پرسـنگری‌ها که به نیازهای اولیه مردم به‌ویژه قشـر جوان برمی‌گردد، چیزی نیسـت که اگر پاسـخ مناسب نگیرد، بـه بایکاتـی راکد برود و به امن خدا سـپرده شـود؛ اینها روی میز نارضایتی‌هـا می‌ماننـد و در طول زمان روی هم تلنبار می‌شـوند و سـر برنگاه با روش‌های تهاجمی مانند همین ناآرامی‌ها فرباد سـر می‌دهند تا بلکه شـنیده شـوند و حداقل از این گـذر التیامی یابند. یک‌سـری می‌پذیرند و یک‌سـری نمی‌پذیرند. بنابراین در داخل هم اختلاف وجود دارد و دوقطبی ایجاد شده است.

▪ اینکه اختلاف نظر ریشه‌ای است درست. اما به هر حال، همه در یک جا جمشیم و باید به هم‌زیستی با یکدیگر فکر کنیم.

این بحثی دیگر اسـت. بحث فعلی شکل‌گیری گونه‌ای دوقطبی اسـت که یک قطب آن را بخشی از مردم و قطب دیگر را دولتمردان و سیاسیون رقم می‌زنند. این دو قطبی اینکه به ورزش‌کشی روی آورده اسـت و بیـم آن می‌رود تعمیق جهـات اختلافی در نیـود دیالوگ بینابینی، آن دو را روی‌درروی هم قرار دهد. برای بروزرفت از چنین وضعیت خطرناکی باید هر چه زودتر چاره‌ای اندیشید.

▪ چه چاره‌ای؟

عـرض کردم که درحال‌حاضر جای دیالوگ خالی اسـت. از قضا کار را باید با این شاکلیه معقول مفقود آغاز کرد. بنابراین تا اسباب و لوازم دیالوگ فراهم نشود، حداقل در شرایط فعلی نمی‌توانیم امیدی به برگزاری آن داشـته باشـیم. ناگفته نماند که ازجمله آن اسباب و لوازم این اسـت که سیاسـیون و دولتمردان بپذیرند صدای مخالفی هم از گونه‌ای از این مرزوبوم به گوش می‌رسد و از آن خیلی مهم‌تر آن اسـت که بپذیرند صدای مخالف لزوما از حلقـوم برانداز بیرون نمی‌آید و اگر آن خیلی مهم‌تر آن اسـت که بپذیرند صدای مخالف لزوما از حلقوم برانداز بیرون نمی‌آید، غیربرانداز هم مطالب باشد. این تحلیلگر با اشـاره به ناآرامی‌های آبان‌ماه گذشته می‌گوید: «ناآرامی‌های خونین آبان‌ماه گذشـته که متأسفانه هنوز در باب کم و کیف آن اطلاع‌رسانی و شفاف‌سـازی نشده، نشان داد که اگر اعتراضات معیشـتی از کنترل خارج شود و سر از طغیان درآورد، هیچ‌کس در امـان نخواهد ماند و این همه و همـه، فارغ از تعلقات اجتماعی و اقتصادی و جناحی‌شـان را شـامل خواهد شـد». او در جایی دیگر باری مقصران را هم به میان می‌کشـد: «بی‌آنکه بخواهم نفـس تخریب را توجیه کنم، مقصر اصلی هر خشـونتی (که رخ داد) را مسئولان ذی‌ربط می‌دانم. بالاخره نمی‌توان آنها را که با فضل‌شان با ترک فعل‌شـان موجب ناراضایی عمومی می‌شـوند، از هرگزندی مصون کرد و به آنها که واکنش نشان می‌دهند، حکم محکومیت داد».

▪ با توجه به اینکه کشور در شرایط پایداری نیسـت و تحریم‌های فوق‌ضربه‌ای را متحمل شده‌ایم، فاصله زمانی بروز ناراضایی‌ها در سال‌های گذشـته کوتاه و کوتاه‌تر شده اسـت. ریشه اصلی این اعتراضات به چه برمی‌گردد؟

اگر بخواهیم ریشه‌ای بحث کنیم، طبعا باید نه فقط به این چهار دهه کـه بـه دوران قبـل از انقلاب هم نگاه و نظری عمیق داشـته باشیم. چراکه بسیاری از مسائل به آن زمان هم برمی‌گردد. انقلاب و دگرگونی در نظام سیاسـی کشور که نه یک‌شب رخ داد و نه بی‌دلیل بـود. حـاوی و حامل پیام‌های پیـدا و پنهانی بود که برای تحلیل هرگونه رویداد اجتماعی و سیاسـی نظیر ناآرامی عمومی که در ۱۰ سال گذشته حداقل سه مورد آن را شاهد بودیم، مورد امعان‌نظر قرار گیرند. به‌عبارت دیگر، ۴۱ سال پیش انقلابی را شاهد بودیم که هدف از آن، سرنگونی نظام سیاسی مستقر بود که دیگر نمی‌توانسـت کشـور را اداره کنـد و جایگزیـن آن بـا نظام سیاسـی دیگری که جمهوری اسلامی نامیده شد. در سرلوحه این نظام سیاسی جایگزین منظومه‌ای از آموزه‌ها، انگاره‌ها و منشـورهای اخلاقی و رفتاری قرار داشـته که به گفتمان انقلاب اسـلامی شـهرت یافته است. بی‌مایه حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی این گفتمان قرار بود در هدف اراکان وجودی زندگی زیر بیرق جمهوری اسلامی سیاری و جاری شود و آنها را از جامعه زیر انقلابی‌ها سیراب کند.

این در حالی اسـت کـه در نظام بین‌المللی، «سیاسـت واقعی (real politic)» کـه نه بر مبانی ارزشـی، بلکـه منطبق با واقعیات میدانی اسـت. حکمرانـی می‌کند. مقصود از ایـن واقعیات، همان معادلات قدرت اسـت که قدرالبـم هر کشوری را متناظر و متناسب با قدرت سیاسـی، اقتصـادی و توانمندی نظامـی و تکنولوژیک آن تعیین می‌کند. این به آن دلیل اسـت که وقتی قدرالبـم کشـورها از یک قـدرت یا قدرت سیاسـی، اقتصـادی و توانمنـدی نظامـی و تکنولوژیک آنها همسـنگی کنند، این به معنای تـوازن و ثبات اسـت. در مقابل، در صورتی که قدرالبـم کشـورها از یک قـدرت یا قدرت دیگر، منفی برداشـته باشد، فرصت معافیت را از دسـت خواهد داد؛ اما طبق شـرایط پیشـنهادی، حتی در صورت زیان‌دهی، فرصت معافیت به بهای اتلاف سرمایه‌های ملی، برای مؤدی ذخیره می‌شود.

د) در نظریه‌های توسعه، به رشد در بخش خدمات تاکید شده است. حقیقت بسـود و بهره‌وری بالا، سازگاری با روند توسـعه پایدار و مباحث زیسـت‌محیطی و منابع ملی اشـتغال ملی بدون اتکا به منابع طبیعی امکان بهره‌گیری ارزان از سرمایه انسانی سایر کشورها، خطر منابع ارزی و مباحث دیگر را، دلایل اهمیت بالای بخش خدمات است که در مفاد ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مسـتقیم و رویکرد کلی قوانین مالیاتی (مبنای فعلی و اصلاحی)، این اهمیت دیده نمی‌شود.

ه) مماثل‌دارد سرمایه ثابت برای تعلق معافیت مالیاتی، زمینه‌ساز موارد اختلاس سـوءجریان و فسـاد، از جمله از طریق حسـاب‌آرایی و حسـاب‌سازی، سـرمایه‌گذاری صوری و حتی پولشـویی خواهد شد که انحراف از برنامه‌ها و اهداف قانون‌گذار را در پی خواهد داشت.

۵) در مفاد مواد ۱۸۵، ۱۸۶ و ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم مذکور این امکان فراهم شده است تا درآمد مشمول مالیات مؤدیان حقوقی، به استناد کژارش حسابرس تعیین شده و درآمد ابرازی اشخاص حقیقی و حقوقی حسب شطار، بدون رسیدگی پذیرفته شود.

الف) رسـیدگی در حراسـبی صورت‌های‌مالی، بـر مبنای اسـتانداردهای حسـابداری، به‌نوع نمونه‌گیری و با توجه به اهمیت مبالغ و موضوعات اسـت. درحالی‌که در رسیدگی مالیاتی به‌دلیل وجود حقوق عمومی، بحث اهمیت جایگاه نداشـته و به‌دلیل دسـت‌کاری در اندازه و چیـدمان مبالغ، در فرآیندهای مالیاتی، روش نمونه‌گیری بر مبنای اهمیت، شبهه کارآمدی وجاهت وجود، بنابراین استاد به کژارش حسابرسی صورت‌های مالی در رسـیدگی مالیاتی، می‌تواند به تضیع حقوق عمومی دچار شود.

ب) پذیـرش مالیـات ابرازی مؤدیـان و انتخاب نمونـه‌ای برخی از مؤدیان برای رسـیدگی، مسـتلزم کاهش‌کمردفن حلقه‌های زنجیره توسعه مالیاتی است و به‌کارگیری حلقه‌های انتهایی این زنجیره، اسک ناقص از سیستم‌های مالیاتی توسعه‌یافته تلقی می‌شود. در اغلب کشورها، وظیفه تهیه کژارش‌های مالیاتی، بر عهده «حسابداران ذی‌صلح» است؛ اما در قوانین ایران برای تهیه اظهارنامه‌های مالیاتی، هیچ صلاحیتی الزام نشده است. از طرفی «حسابداران» و «حسابداری» به‌عنوان مؤثرترین افراد و حرفه در بحث مالیاتی، حتی فاقد صنف و اتحادیه رسـمی هستند. این سـخن به معنی هرج‌ومرج و کم‌اعتباری داده‌های حسابداری شرکت‌ها بـوده و ضمن احترام به همه مشـاغل، این مطلب مؤیـد این نکته تلخ اسـت که در قوانین ما، به حرفه حسـابداری به میزان حرفه‌های دیگر، اعم از پزشـکی، مهندسـی، خیاطی، قصابی، کفاشـی، وکالت و حرفه‌ها اهمیت داده نشده اسـت. این در حالی اسـت که این حرفه به‌عنوان چشم و گوش منافع عمومی، اهمیتی استثنائی دارد و اگر حرفه حسابداری در کشور ساماندهی و نظارت مبتنی بر بازدارندگی بر آن اعمال شود، ضمن جلوگیـری از اتلاف مالیاتی، از هزینه‌های کلان دولت برای تشـخیص و وصول مالیات جلوگیری خواهد شد.

۶) چالش‌های مالیاتی ناشی از ابهام‌های قانونی، همچنان در لایحه پیشـنهادی حل‌نشـده باقی مانده اسـت؛ برای مثال تعریف مشخصی از «درآمد» در کاربرد مالیاتی آن ارائه نشـده و شـبهه‌های طرح‌شده در مواردی مانند «نقل زیان نوشته شرکا» و مواردی دیگر همچنان مسـتلزم تفسـیر به رأی یا حکم مراجع قانونی باقی مانده‌اند. گفتنی اسـت اصلاح چند قانون دیرک سنده اصلاحی، در ذات خود ابهام و پراکندگی به‌همراه خواهد داشت.

*** حسابدار رسمی - کارشناس رسمی**

ما و چین!

لطفعلی بخشی - عضو هیئت‌علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

ماه گذشـته در اکونومیسـت جهانی مطلبی درباره رهایی ۸۰۰ میلیون چینی از شـرایط فقر منتشـر شـد. در زمان دانشجویی، به مقتضای حال و سـن، در تفکر و تکاپو بـرای یافتن الگوهایی برای زیسـت بهتر هم‌وطنانمان بودیم و در این میان، خواندن کتاب‌های مرتبط جای ویژه‌ای داشت.

یکـی از کتاب‌هایی که در آن زمان بـرای بین دانشـجویان دسـت به دسـت می‌شـد، کتاب جغرافیای گرسنگی اثر ژوزوئه دوکاسترو بود. در بخشـی از آن کتاب چیزهایی درباره چین اشـاره شده بود سیرگردن شکم ۸۰۰ میلیـون چینی را می‌تـوان معجزه اقتصادی قرن بیسـتم به حسـاب آورد. چین از آن دوران و اوج رونق تفکرات چپ، این موضوع به‌عنوان سند انکارناپذیری برای موفقیت سیستم چپ ارائه می‌شد.

امـا زمـان گذشـت و در دوران دنـگ شـیائو پینگ، چین به دنده راسـت چرخیـد و معجزه بزرگ‌تـر و همه‌گیرتـری رخ داد؛ ثروتمندکـردن ۸۰۰ میلیون نفر و حذف فقـر را می‌توان بزرگ‌ترین معجزه هر نظام اقتصادی به حسـاب آورد؛ کشوری که با مدیریتی کارآمد و ملتی سـختکوش، در ۴۰ سـال از مرحله سیرگردن شکم، در حـال طی‌کردن پله‌هـای نهایی آقایی بر اقتصاد جهان اسـت. چگونه چین میـر توسعه را طی کرد و بیش از دو دهه شاهد رشد اقتصادی بیش از ۱۰ درصد بود؟

چگونه چین توانست فقر را در کشور ریشه‌کن کند و ۸۰۰ میلیون نفر را به درآمدهای بالاتر از متوسط جهان برساند و در چهار دهه درآمد سرانه کشور را از ۱۰۰ دلار به ۸۰۰ دلار ارتقا دهد؟

چگونـه چین همه امکانـات، منابع و بـازار بین‌المللی را برای ارتقای اقتصاد کشورش به کار گرفت؟

برخی ویژگی‌های چین امروز چنین است؛ موفق‌ترین کشور در کاهش فقر. سـریع‌ترین رشد اقتصاد جهان، بیشـترین دخایر ارزی در جهـان، بیشـترین سـرمایه‌گذاری خارجی در چیـن، بزرگ‌ترین سـرمایه‌گذار خارجی در کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته، بیشترین ارگذار در سیاست بین‌المللی و... .

باید چین را بیشـتر شـناخت و از آن آموخت. سختکوشی، کار دولتی کارآمد و توسـعه‌خواه دارد و راهبـرد بلندمدت آن تنش‌زدایـی و تعامل مثبت با همه جهان اسـت و رویکردهای خـود را دائمـا اصـلاح کـرده و رونـد آزادسـازی اقتصـاد را گسـترش می‌دهد. انتخاب چین تعامل مثبت با جهان و اسـتفاده حداکثری از امکانات مالـی بین‌المللی در زمینـه بازارهای پول و سـرمایه‌گذاری خارجی اسـت و توانسـت منابع عظیم مالی را جذب کرده و تولیدات خود را به بازارهای جهانی سرازیر کند.

چین چه کرد و ما چه کردیم؟

«در حقیقت چین «انتخاب کرد»؛ انتخاب چین افزایش مسـتمر درآمد سرانه شهروندانش و توسعه رفاه در کشوری که نیم‌قرن قبل مردم نحسـتین دغدغه‌شان سیرگردن شکم‌شان بوده.

مقایسـه اقدامات و دستاوردهای چین و ایران در این چهار دهه می‌تواند برای اقتصاد ما بسـیار درس‌آموز باشـد. چـون برخی نکات را دراین‌باره نشان می‌دهد.

مداوم و به دور از غوغاسـالاری خصیصه بزرگ چینی‌هاست.

چین دولتـی کارآمد و توسـعه‌خواه دارد و راهبـرد بلندمدت آن تنش‌زدایـی و تعامل مثبت با همه جهان اسـت و رویکردهای خـود را دائمـا اصـلاح کـرده و رونـد آزادسـازی اقتصـاد را گسـترش می‌دهد. انتخاب چین تعامل مثبت با جهان و اسـتفاده حداکثری از امکانات مالـی بین‌المللی در زمینـه بازارهای پول و سـرمایه‌گذاری خارجی اسـت و توانسـت منابع عظیم مالی را جذب کرده و تولیدات خود را به بازارهای جهانی سرازیر کند.

چین